

برای دانستن استعاره لازم است که انواع تشبیه را بشناسیم، پس ابتدا انواع تشبیه را به هم بررسی می‌کنیم:

### انواع تشبیه

تشبیه‌هایی که ما در ادبیات فارسی داریم، از نظر تعداد ارکان سه دسته می‌شوند:

تعداد ارکان	نوع	مشبه	ادات تشبیه	مشبه‌به	وجه شبه
۴ رکنی	-	علی	مانند	شیر	شجاع است
۳ رکنی	حذف ادات تشبیه	علی	-	شیری	شجاع است
	حذف وجه شبه	علی	مانند	شیر	- است
۲ رکنی	بلیغ	علی	-	شیر	- است
	اضافه تشبیهی	علی شیر			

اگر دقت کرده باشید، در تشبیه هیچ‌گاه مشبه یا مشبه‌به حذف نمی‌شود. اگر یکی از این دو حذف بشوند چه اتفاقی می‌افتد؟ جواب این است: استعاره.

### استعاره

«استعاره» در لغت، به معنی عاریت گرفتن و امانت خواستن است. اما در اصطلاح یعنی: «حذف مشبه یا مشبه‌به از تشبیه و باقی ماندن جزء دیگر به همراه نشانه‌ای از جزء حذف شده» و چون واژه را برای معنایی دیگر قرض می‌گیریم به آن استعاره می‌گویند.. به این نشانه «قرینه» می‌گویند. برای مثال اگر بخواهیم تشبیه فوق را به استعاره تبدیل کنیم، می‌توان گفت: «شیرِ کلاس امروز نیامده است!». می‌دانیم که در اینجا منظور از شیر، باید یک انسان باشد؛ چون شیر به کلاس نمی‌آید. پس شیر استعاره است و «به کلاس آمدن» قرینه علی یا همان مشبه است که حذف شده است.

مثال‌های دیگر

۱. غمی بود رستم بیازید چنگ
- گرفت آن بر و یال جنگی پلنگ
۲. نفسی بیا و بنشین سخنی بگو و بشنو
- که به تشنگی بمردم بر آب زندگانی
۳. باز امشب ای ستاره تابان نیامدی
- باز ای سپیده شب هجران نیامدی

۱. می‌دانیم که داستان، مربوط به نبرد رستم و سهراب است و در این بیت، رستم با سهراب روبه‌رو شده است. اما چرا به جای سهراب، رستم با «پلنگ» گلاویز می‌شود؟ پس می‌فهمیم که در اینجا منظور از این کلمه، خود حیوان پلنگ نیست و باید مقصود شاعر، سهراب باشد. در واقع تشبیه را اینگونه می‌توانیم بازسازی کنیم: سهراب در شجاعت و جنگ مانند پلنگ است.



۲. شاعر در مصراع نخست از دوست خود می‌خواهد که لحظه‌ای را در کنار وی بنشیند و با او سخنی بگوید. مصراع دوم تصویری است از نیازمندی شاعر که نیاز خود را به تشنگی و دوست خود را به آب زندگانی مانند کرده است. پس «تشنگی» و «آب زندگانی» هر دو استعاره هستند.

۳. وقتی شاعر از آمدن ستاره نزد خود صحبت می‌کند، می‌فهمیم که منظور از آن باید یک انسان باشد نه ستاره آسمان. پس در واقع «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» استعاره از یار شاعر هستند. می‌توان تشبیه‌ها را اینگونه بازسازی کرد: «تو در درخشندگی مانند ستاره آسمان و سپیده صبح هستی.»

### فایده استعاره چیست؟

در تشبیه ما ادعای «هماندی» و شباهت بین دو چیز داریم و این دو از هم جدا هستند. اما در استعاره، ما با حذف یکی از طرفین تشبیه، در واقع ادعای «یکسانی» بین آن دو می‌کنیم. استعاره ذهن را با شگفتی، درنگ و جست‌وجو روبه‌رو می‌سازد و زیبایی آن نیز برخاسته از همین معنی است.

استعاره از تشبیه رساتر و خیال‌انگیزتر و در برانگیختن عواطف، مؤثرتر است؛ زیرا خود از درون تشبیه دو رکنی - که رساترین نوع تشبیه است - خلق می‌شود.

### انواع استعاره

گفتیم که برای ساختن استعاره‌ها باید مشبه حذف شود و یا مشبه‌به. اگر مشبه حذف شود، استعاره «مُصَرَّحَه» یا «آشکار» داریم و اگر مشبه‌به حذف شود، استعاره «مَكْنِیَه» یا «پنهان» ساخته می‌شود.

۱. استعاره مُصَرَّحَه (آشکار): مشبه‌به + قرینه مشبه

مثال:

مشبه	وجه شبه	ادات	مشبه‌به
سهراب	در جنگیدن	مانند	پلنگ است.
موی پیران	در سفیدی	مانند	برف است.

۲. استعاره مکنیه (پنهان): مشبه + قرینه مشبه‌به

مثال:

«به صحرا شدم (= رفتم) عشق باریده بود»	←	عشق	از جهت باریدن	مانند	باران است.
«گل بخندید و باغ شد پدرام»	←	شکفتن گل	از جهت باز شدن	مانند	خندیدن انسان است.

\*\*\* تشخیص؛ یک نوع استعاره مکنیه

گفتیم که در استعاره مکنیه، مشبه می‌ماند و مشبه‌به حذف می‌شود. از این طرف می‌گوییم ساختار همه تشخیص‌ها به این شکل است:

چیزی غیر از انسان در یک ویژگی انسانی مانند انسان است. مشبهه به که همان انسان است را حذف می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: ابر می‌گرید. پس عملاً هر تشخیص، همیشه در تشخیص، مشبهه به که همان انسان است را حذف می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: ابر می‌گرید. پس عملاً هر تشخیص، یک استعاره مکنیه است؛ چون همیشه مشبهه به آن (انسان) حذف می‌شود. دقت داشته باشید که تشخیص، زیرمجموعه‌ی استعاره مکنیه است و نه بالعکس. یعنی می‌توان استعاره مکنیه‌ای داشت که تشخیص نباشد. مانند استعاره عشق از باران، که مثالش بالاتر آمد.

### فعالیت عمومی

در شعرهای پایین، زیر استعاره‌ها خط کشیده، نوع آنها (مصرحه یا مکنیه) را مشخص و در هر استعاره مشبهه، مشبهه به و وجه شبه را تعیین کنید.

۱. شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجره من

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۲. مَلْکَا، مَهَا، نِگَارَا، صِنْمَا، بَتَا، بَهَارَا متحیرم، ندانم که تو خود چه نام داری

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۳. مرگ چنگال خود را به خون حسنگ وزیر رنگین کرد.

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۴. جاده نفس نفس می‌زد.

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۵. مرا در خانه سروی هست کاندَر سایه‌ی قدش فراغ از سرو بستانِی و شمشاد چمن دارم

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۶. گر هزاران دام باشد هر قدم چون تو با مایی نباشد هیچ غم

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۷. ز کف بفکن این گرز و شمشیر کین بزن جنگ و بیداد را بر زمین

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۸. چنین گفت کای رسته از چنگ شیر جدا مانده از زخم شیر دلیر

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۹. سبک تیغ تیز از میان برکشید بر شیر بیداردل بردرید

نوع استعاره: مشبهه: مشبهه به: وجه شبه:

۱۰. گاه، تنهایی / صورتش را به پس پنجره می چسبانید / شوق می آمد

نوع استعاره: مشبّه: مشبّه‌به: وجه شبه:

نوع استعاره: مشبّه: مشبّه‌به: وجه شبه:

۱۱. ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

نوع استعاره: مشبّه: مشبّه‌به: وجه شبه:

نوع استعاره: مشبّه: مشبّه‌به: وجه شبه:

۱۲. دیده عقل مست تو، چرخه چرخ پست تو

گوشِ طَرَب (=شادی) به دست تو، بی تو به سر نمی شود

نوع استعاره: مشبّه: مشبّه‌به: وجه شبه:

نوع استعاره: مشبّه: مشبّه‌به: وجه شبه:

### فعالیت اختصاصی

با کمک گرفتن از شرح‌های موجود، سه غزل از دیوان حافظ را انتخاب کرده و استعاره‌های موجود در ابیات آنها را پیدا کنید. نتیجه کار خود را در قالب برگه تحویل می‌دهید. (نوع استعاره و تشبیه کامل آن را هم باید بنویسید)